

## **Future Trends of the European Union in the Post-Ukraine Era**

Muhaddeseh Heydari<sup>1</sup>, Soheil Mohammadzadeh<sup>2</sup>

**Received: 23-12-2022**

**Accepted: 06-04-2023**

### **Abstract**

The Ukraine crisis is one of the most significant conflicts in the international system and can be seen as a key variable in shaping the new global order. Given the crisis's occurrence in Europe, the European Union (EU) is undoubtedly the actor most impacted after Russia and Ukraine. This crisis has not only presented the EU with serious challenges in areas such as energy, food, and human resources but has also altered the trajectory of its future and its long-standing goal of achieving independence from the United States. This article seeks to answer the question: "Based on current evidence, what trends will the European Union face in the future?" According to the findings, nine major trends, including the intensification of food and energy crises, an increase in migration, heightened focus on investment in gas and renewable energy, and efforts to maximize military power, are projected to persist within the EU until 2035. The methodology employed in this article is trend analysis, using up-to-date documents and interviews to gather data.

**Keywords:** European Union, Ukraine crisis, Neoliberalism, Interdependence, Trend.

---

1. Corresponding Author. Researcher in Center for Futures Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran mohaddese.heidari@yahoo.com

2. M.Sc. in International Relations, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran soheilmohammadzadeh6@gmail.com

## روندهای پیش روی اتحادیه اروپا در فضای پسا اوکراین

محدثه حیدری<sup>۱</sup>، سهیل محمدزاده<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲

### چکیده

بحران اوکراین یکی از مهم‌ترین منازعات در سطح نظام بین‌الملل است و می‌توان از این بحران به‌عنوان متغیری تعیین‌کننده در چینش نظم نوین جهانی یاد کرد. با توجه به وقوع بحران در جغرافیای اروپا به‌طور قطع کنشگری که بیشترین سطح از اثرپذیری را پس از روسیه و اوکراین داشته است، اتحادیه اروپا است. این بحران نه تنها در شرایط کنونی اتحادیه اروپا را در ابعاد مختلف از جمله انرژی، غذا و منابع انسانی، با چالش‌های جدی مواجه ساخته است، بلکه آینده این اتحادیه و هدف استقلال آن از آمریکا را که سال‌ها به دنبال تحققش بود نیز با تغییراتی مواجه ساخته است. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که «براساس شواهد کنونی اتحادیه اروپا در آینده با چه روندهایی مواجه خواهد شد؟». براساس یافته‌ها، روند از جمله تشدید بحران غذا و انرژی، افزایش میزان مهاجرت، افزایش توجه به سرمایه‌گذاری در حوزه گاز و انرژی‌های تجدیدپذیر، افزایش تلاش برای پیشینه‌سازی قدرت نظامی و... مهم‌ترین روندهای آینده اتحادیه اروپا هستند که برآورد می‌شود تا ۲۰۳۵ پابرجا باشند. روش مورد استفاده در این مقاله روندپژوهی است و در راستای جمع‌آوری داده‌ها از اسناد به‌روز موجود و مصاحبه بهره گرفته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** اتحادیه اروپا، بحران اوکراین، نئولیبرالیسم، وابستگی متقابل، روند.

۱. پژوهشگر مرکز آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

mohaddese.heidari@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

soheilmohamadzadeh6@gmail.com

## مقدمه

پس از تحولات سال‌های اخیر در عرصه جهانی و منطقه‌ای، بحث در مورد چشم‌اندازها و مسیر آینده همگرایی اتحادیه اروپا به موضوعی داغ در میان اندیشمندان تبدیل شده است. در حالی که در آغاز هزاره، مسیر اروپا به سوی اتحادیه اقتصادی و سیاسی یک روند غیرقابل مقاومت و برگشت‌ناپذیر تلقی می‌شد که سطوح بی‌سابقه‌ای از صلح و رفاه را به همراه خواهد آورد، امروزه به نظر می‌رسد پروژه اروپا در معرض خطر قرار دارد. مشکلات طولانی‌مدت در منطقه یورو، هجوم مهاجران و پناهندگان و خروج بریتانیا از اتحادیه، نقایص، ناسازگاری و آسیب‌پذیری اتحادیه اروپا را آشکار کرده است. برخی از تحلیلگران همچنان پیش‌بینی می‌کنند که منطقه یورو یا حتی کل اتحادیه اروپا در حال فروپاشی است. چارلز کوپچان<sup>۱</sup> با صراحت اظهار می‌دارد: «اتحادیه اروپا در حال مرگ است» (کوپچان، ۲۰۱۰). جان گیلینگام<sup>۲</sup>، مورخ، اتحادیه اروپا را «موجودی از بین‌رفته» می‌نامد (گیلینگام، ۲۰۱۸). نایل فرگوسن<sup>۳</sup> می‌نویسد که شکاف به جای ترکیب، ماهیت اتحادیه اروپا را در سال‌های آینده تعریف خواهد کرد (فرگوسن، ۲۰۱۸).

رهبران اتحادیه اروپا نیز از آینده اتحادیه اروپا ابراز نگرانی کرده‌اند. در بیانیه رم (۲۰۱۷) که توسط ۲۷ رهبر کشورهای عضو اتحادیه اروپا (به‌جز بریتانیا) امضاء شد، این موضوع تصدیق شد که اتحادیه اروپا با چالش‌های بی‌سابقه‌ای هم در سطح جهانی و هم در سطح داخلی، مثل درگیری‌های منطقه‌ای، تروریسم، فشارهای مهاجرت در حال رشد، حمایت‌گرایی و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی» روبه‌رو است (Reuters, 2017). با این حال برخی از ناظران طرفدار همگرایی، در مورد چشم‌انداز آینده اتحادیه اروپا همچنان خوش‌بین هستند، با این استدلال که پیش‌بینی‌های فروپاشی اتحادیه اروپا مبتنی بر ارزیابی‌های بسیار ضعیفی است که از واقعیت‌ها دور است. اندرو موراوچیک<sup>۴</sup> آن را «ابرقدرت نامرئی<sup>۵</sup>» جهان می‌نامد (موراوچیک، ۲۰۱۷). گای ورهوفشتات<sup>۶</sup>، اروپای فدرال به سبک آمریکایی را «هم منطقی و هم اجتناب‌ناپذیر» می‌داند (ورهوفشتات، ۲۰۱۷). یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر اروپا تلاش رهبران اروپایی برای افزایش

- 
1. Charles Kupchan
  2. John Gillingham
  3. Niall Ferguson
  4. Andrew Moravcsik
  5. invisible superpower
  6. Guy Verhofstadt

استقلال از آمریکا در زمانی بود که با اعمال فشارهای دولت ترامپ، نیاز به افزایش استقلال اتحادیه از آمریکا بیش از هر زمان دیگری احساس شد. انعقاد قرارداد نورداستریم ۲ بین آلمان و روسیه و تلاش برای ایجاد ارتش مستقل اروپایی زنگ خطر را برای مقامات آمریکایی به صدا درآورد. در نتیجه به طور هم‌زمان طرح آمریکا برای تحقق سه هدف تضعیف رقیب نظامی (روسیه)، تضعیف رقیب اقتصادی (چین) و جلوگیری از تحقق هدف استقلال متحد دیرینه (اتحادیه اروپا) به طور هم‌زمان کلید خورد و بازی اوکراین به‌عنوان یک تله راهبردی برای روسیه آغاز شد. در تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ ارتش روسیه به فرمان ولادیمیر پوتین تهاجم گسترده‌ای را تحت عنوان عملیات ویژه از غرب، شمال و جنوب به اوکراین آغاز کرد. پس از این تهاجم، بسیاری از مردم اوکراین به سمت مرزهای همسایگان غربی اوکراین به‌ویژه لهستان گریختند. وقوع بحران اوکراین چالش‌های بزرگی را در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی و نظامی متوجه اروپا و جهان ساخته است؛ به‌گونه‌ای که از دیدگاه برخی از کارشناسان، با وقوع این بحران جهان در آستانه آغاز جنگ جهانی سوم قرار گرفته و در شرایط حداقلی نظم جهانی<sup>۱</sup> مدنظر آمریکا را با تحولات جدی مواجه ساخته است. برخی از محققان نتیجه تغییرات به‌وجودآمده را افول نظم لیبرال آمریکایی و آغاز عصری تفسیر می‌کنند که در آن کشورهایی که خود را صاحب قدرت می‌دانند در پی ارائه الگویی جدید از نظم برپایه چندجانبه‌گرایی هستند. از دیدگاه برخی از کارشناسان، نظم دوقطبی با محوریت چین و روسیه به‌همراه یک بلوک اوراسیایی از یک‌سو و غرب در سوی دیگر شکل خواهد گرفت. آنچه روشن است این مسئله است که در هندسه نظم جدید، روندهای حاکم نیز تغییر خواهد یافت و شاهد ظهور اشکال جدیدی از الگوهای حکمرانی و تغییرات مهمی در چرخه‌های کلان جهانی از جمله جهانی‌سازی خواهیم بود. اتحادیه اروپا نیز همچون سایر کنشگران در فضای پسااوکراین ناچار به‌مواجهه با روندهای مهمی خواهد بود که مدیریت یا سوءمدیریت این روندها می‌تواند در تعیین سرنوشت اتحادیه اروپا نقش بارزی ایفا کند. این مقاله با استفاده از نظریه نئولیبرالیسم و روش روندپژوهی در پی پاسخ به این پرسش است که «روندهای پیش روی اتحادیه اروپا چه مواردی هستند؟».

## مبانی نظری: وابستگی متقابل و نهادگرایی نئولیبرال

تجارت آزاد و رفع موانع تجاری در مرکز تئوری وابستگی متقابل مدرن است. به‌عنوان مثال، ظهور همگرایی اقتصادی منطقه‌ای در اروپا از این باور الهام گرفت که با ایجاد منافع مشترک در همکاری‌های تجاری و اقتصادی میان اعضای همان منطقه جغرافیایی، احتمال درگیری بین دولت‌ها کاهش می‌یابد. این امر کشورهایمانند فرانسه و آلمان را که به‌طور سنتی اختلافات نظامی خود را حل می‌کردند، تشویق می‌کند تا برای منافع متقابل خود در یک چارچوب اقتصادی و سیاسی مورد توافق مشترک همکاری کنند و دولت‌ها در صلح و سعادت یکدیگر سهیم باشند. اتحادیه اروپا بهترین نمونه از ادغام اقتصادی است که باعث ایجاد همکاری اقتصادی و سیاسی نزدیک‌تر در منطقه‌ای شده است که از لحاظ تاریخی درگیر اختلافات ملی هستند.

همان‌طور که «میتزانی» استدلال کرد، در ابتدا همکاری بین دولت‌ها در زمینه‌های فنی حاصل می‌شود، اما پس از موفقیت می‌تواند به سایر مناطق عملکردی «جایی که دولت‌ها می‌توانند مزایای متقابل را به‌دست آورند» نیز تسری یابد (میتزانی، ۱۹۴۸، ص ص. ۳۵۰-۳۶۳).

### لیبرالیسم و پیش‌رانی‌های اتحادیه اروپا

همان‌طور که ذکر شد لیبرال‌ها بر نقش نیرومندی که وابستگی متقابل در ساختار انگیزه‌های دولت‌ها و شکل دادن به رفتار آن‌ها دارد، تأکید می‌کنند. جریان کالاها، سرمایه، مواد اولیه و مردم به‌نفع همه کشورهای درگیر است. وابستگی متقابل همچنین می‌تواند برخی از تأثیرات آنا‌رشی را کاهش دهد. وابستگی متقابل انگیزه‌های دولت‌ها را برای حل مشکلات مشترک و تحقق منافع مشترک از طریق همکاری افزایش می‌دهد (میلنر، ۲۰۰۹). بسیاری از لیبرال‌ها همچنین بر نقشی که نهادهای بین‌المللی ایفا می‌کنند، تأکید می‌کنند. نهادها می‌توانند بر عدم قطعیت در مورد ترجیحات و اهداف دولتی که اغلب تلاش برای همکاری را تضعیف می‌کند، غلبه کنند (کوهن و مارتین، ۱۹۹۲). اما در زمان صحبت کردن در مورد آینده اتحادیه اروپا به‌عنوان مهم‌ترین نماد همگرایی منطقه‌ای در اقتصاد سیاسی جهانی، شاهد نوعی واگرایی بین نظریه‌پردازان لیبرال هستیم. برخی رویکرد خوش‌بینانه‌ای به آینده اتحادیه اروپا دارند، برای مثال لیبرال‌های خوش‌بین سه دلیل را برای این موضوع شناسایی می‌کنند که به تقویت و بقای احتمالی پروژه اروپا اشاره دارد: سطح بالایی از وابستگی اقتصادی، شبکه‌ای متراکم از نهادها و تعهد مشترک به اصول دموکراتیک در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا. این عناصر به‌هم‌پیوسته و متقابل تقویت می‌شوند و هرگونه

شکاف در اتحادیه را هم پرهزینه و هم دشوار می‌کند. برخی دیگر روند واگرایی و حتی فروپاشی را برای آینده اتحادیه اروپا مطرح می‌سازند. مانند لیبرال‌های بدبین که به‌عنوان یک سنت فکری در دو سطح وجود دارند. نخست، این سنتی است که براساس آنچه جودیت شکلار<sup>۱</sup> (لیبرالیسم ترس) نامیده است، پایه‌گذاری شده است. شکلار (۱۹۹۵) استدلال می‌کند که «عمیق‌ترین پایه لیبرالیسم در ابتدا با این باور که اولین مدافعان تساهل، محصول شرایط وحشت هستند تولد پیدا کرد، این ظلم یک شر مطلق و توهین به خدا یا بشریت است». دوم، لیبرالیسم بدبینانه نشان‌دهنده نقد خود لیبرالیسم است. درک آماندا اندرسون (۲۰۱۶) برای توصیف این وضعیت از اصطلاح «لیبرالیسم تیره» استفاده می‌کند.

استدلال آن‌ها نیز براساس تأثیرات همگرایی و ادغام اقتصادی ساختار نهادی اتحادیه اروپا و پویایی سیاسی داخلی در کشورهای عضو است. این طیف از اندیشمندان مدعی هستند که نه تنها همگرایی و ادغام، نوعی درمان برای بسیاری از مشکلات اروپا نبوده بلکه خود مجموعه‌ای از چالش‌ها و مشکلات را ایجاد کرده است. استدلال این طیف از نظریه‌پردازان نشان می‌دهد مشکلاتی که در حال حاضر اتحادیه اروپا با آن روبه‌رو است و ممکن است منجر به شکاف‌های شدیدتر و طولانی‌مدت و حتی به تجزیه اتحادیه منجر شود، بر حول سه محور اساسی است که عبارت‌اند از: عوامل منفی خارجی ناشی از ادغام اقتصادی، پیچیدگی نهادی اتحادیه اروپا که خطرات و آسیب‌پذیری‌های نظام‌مند را در سراسر بلوک تولید و گسترش می‌دهد و کسری مشروعیت و دموکراتیک اتحادیه اروپا که به ظهور احزاب سیاسی پوپولیست و ضد اتحادیه اروپا مانند حزب اجتماع ملی در فرانسه، کمک کرده است. آن‌ها بر مبنای این استدلال‌ات اتحادیه اروپا را منبع مشکل می‌دانند تا راه‌حل مشکلات ملی.

### روش پژوهش: روندپژوهی

در این پژوهش از روش روندپژوهی استفاده شده است. هدف اصلی روندپژوهی، تجویزهای آینده‌ساز است. روندپژوهی، داده‌های خام و پردازش‌شده در دیده‌بانی را دریافت می‌کند و با استنباط روابط بین آن‌ها، به حجم انبوه داده‌ها نظم، معنا و جهت می‌دهد (سلمانی و احمدیان، ۱۴۰۱).

### برون‌یابی روند

در این مرحله گردآوری داده‌های تاریخی و مطابقت آن‌ها بر یک منحنی که تا آینده ادامه دارد، انجام می‌شود، تا روندهای مورد نظر استخراج شوند. این نکته شایان ذکر است که از روش گردآوری و مطالعه اسناد و کتابخانه‌ای و طوفان فکری در راستای استخراج روندها بهره گرفته شده است (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷).

### تبیین روندهای بالادستی

در این مرحله پیشران‌ها از روندهای بالادستی استخراج می‌شوند. منظور از پیشران‌ها نیروهایی هستند که بر پیامد رویدادها اثر دارند؛ یعنی عناصری که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی شده و سرانجام داستان‌ها را مشخص می‌کنند (اخوان کاظمی و محسنی، ۱۴۰۱).

### استنباط روندهای اصلی از رویدادها و آمارهای سیستم

در این مرحله با استفاده از روش کدگذاری کیفی، داده‌های به‌دست‌آمده در گفتگوهای خبرگانی یا اسناد مقوله‌بندی و دسته‌بندی شده است (اخوان کاظمی و محسنی، ۱۴۰۱).

### تحلیل کیفی روندها

در این مرحله فرض بر این است که حوادث مختلف آینده به صورت ناگهانی رخ نخواهند داد و از هم‌اکنون نشانه‌هایی برای پیش‌بینی آن‌ها وجود دارد. لذا در این روش روند تغییرات را با شناخت عوامل مؤثر بر پارامتری که می‌خواهیم آینده آن را پیش‌بینی کنیم مورد بررسی قرار می‌دهیم (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷).

### تحلیل پابرجایی روندها

در این مرحله بررسی می‌شود که روندها و کلان‌روندها تا چه زمانی پابرجا هستند (اخوان کاظمی و محسنی، ۱۴۰۱).

### بررسی پیامدهای روندها

در این مرحله بررسی می‌شود که پیامدهای این روندها و کلان‌روندها چیست (اخوان کاظمی و محسنی، ۱۴۰۱).

### یافته‌های پژوهشی

براساس مطالعات صورت‌گرفته و خروجی به‌دست‌آمده از جلسات طوفان فکری، از جمله مهم‌ترین روندهایی که اتحادیه اروپا در فضای پسابحران اوکراین با آن‌ها بعضاً مواجه شده و در صورت ادامه روند بحران در سطوح گسترده‌تری مواجه خواهد شد موارد زیر هستند:

### تشدید بحران مواد غذایی در اروپا

در صورت تشدید و تداوم بحران اوکراین، تشدید بحران در حوزه غذا یکی از روندهای مهم پیش روی اتحادیه اروپا است. روسیه و اوکراین با دارا بودن عمده خاک سیاه دنیا، بیشترین میزان کشت صنعتی را دارا بوده که تا پیش از جنگ، عمده نیازهای غذایی اروپا و سایر نقاط جهان را تأمین می‌کردند. با ادامه جنگ و عدم کشت و تحریم روسیه، این منبع غذایی از دسترس اروپا و جهان خارج خواهد شد. ضمن اینکه سایر کشورهای صادرکننده مواد غذایی نیز اقدام به قطع یا کاهش صادرات خواهند کرد. مشکل اساسی پیش رو کمبود و افزایش شدید قیمت مواد اولیه و انرژی است که حتی پیش از حمله روسیه به اوکراین و به دلیل کرونا، منجر به افزایش هزینه‌های حمل و نقل و انرژی شده بود و بحران اوکراین این روند را تشدید خواهد کرد. روند افزایش قیمت‌ها بر مردم کشورهای فقیرتر تأثیر بیشتری هم از بعد قیمت و هم تأمین آن خواهد گذاشت. البته از دیدگاه برخی از متخصصان، با توجه به اینکه در سال‌های اخیر برداشت جهانی غلات در بالاترین سطح خود بوده است، لذا بحران اوکراین نمی‌تواند تأثیر عمیقی بر امنیت غذایی جهان به‌جای بگذارد و به‌طور متوسط پنج درصد نوسان در بازار را منجر خواهد شد. لذا مشکل عمده‌ای که اتحادیه اروپا با آن مواجه خواهد شد، کمبود غذا نیست، زیرا ذخایر غذای دنیا بیش از حد نیاز کنونی جمعیت جهان است. اما مشکل آثار روانی و محدودیت دسترسی ناشی از محدودیت کشورها برای صادرات است که باعث نگرانی خواهد شد. اختلال در زنجیره تأمین مهم‌ترین مشکل پیش‌روست که باید سازمان جهانی غذا تدابیری برای جلوگیری از این اختلال بیندیشد (European, 2022).

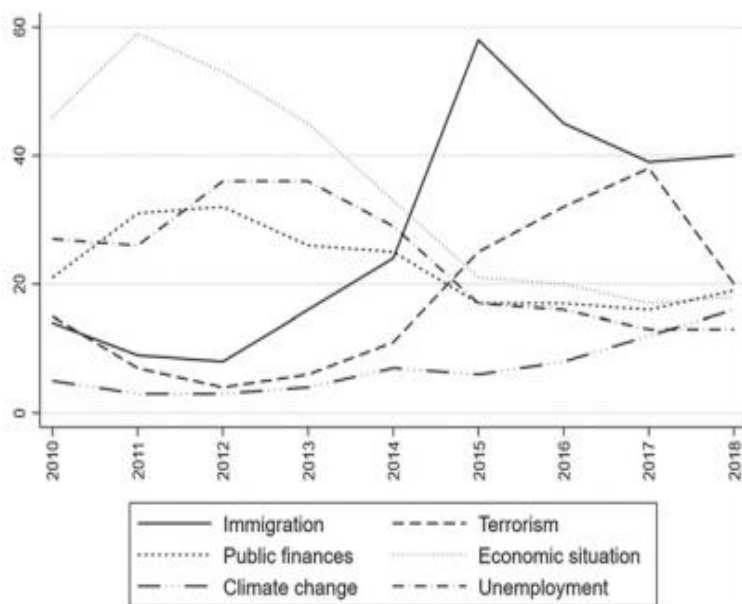
### افزایش میزان مهاجرت به اتحادیه اروپا

در رابطه با مسئله پناهجویان این نکته لازم به‌ذکر است که در شرایطی که اروپا هنوز نتوانسته موج پناهجویان ناشی از جنگ سوریه، افغانستان و کشورهای آفریقایی را مدیریت کند، موج پناهجویان اوکراینی آغازکننده بحران جدی‌تری در حوزه مهاجرت خواهد بود (OPORA, 2023). در نتیجه جنگ، چند میلیون اوکراینی برای حمایت موقت در کشورهای عضو اتحادیه اروپا درخواست داده‌اند. سایر مهاجرت‌ها به اتحادیه اروپا نیز روبه‌افزایش است. هم تعداد درخواست‌های پناهندگی ارسال شده در اتحادیه اروپا و هم مهاجرت غیرقانونی به اتحادیه اروپا در حال افزایش است. در حال حاضر فشار مهاجرت در مسیر مدیترانه مرکزی از تونس و لیبی به ایتالیا متمرکز شده است (Ministry of the Interior Finnish, 2023). از دیدگاه متخصصان در کنار



کاهش جمعیت، عامل دیگری که به لحاظ نیروی انسانی برای اتحادیه اروپا از یک سو بحران آفرین و از سوی دیگر فرصت‌ساز خواهد شد، افزایش مهاجرت‌ها به اتحادیه اروپا در دهه ۲۰۵۰ است. زیرا درحالی‌که در دهه ۲۰۵۰ چین، ژاپن و روسیه، به ترتیب ۳۸، ۲۰ و ۱۵ میلیون نفر کاهش جمعیت خواهند داشت، هند با ۴۰۰ میلیون نفر افزایش جمعیت مواجه خواهد شد و به‌طور هم‌زمان جمعیت آفریقا یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر افزایش خواهد داشت که این مسئله اتحادیه را با یک شوک مهاجرتی بزرگی مواجه خواهد ساخت. در بین جمعیت مهاجرین، چند میلیون نفر پناهنده آب‌وهوایی از آفریقا و خاورمیانه خواهند بود که تعداد جمعیت آفریقایی در فرانسه را در سال‌های آتی، ۱۳ میلیون نفر یعنی ۲۰ درصد افزایش خواهد داد (Durson, 2019, p. 5).

همان‌طور که در نمودار قابل مشاهده است، در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ مسئله مهاجرت مهم‌ترین مسئله در بعد اجتماعی بوده که توانسته اتحادیه را با چالش مواجه سازد.



(Lorenz, 2021, p. 60)

### سرمایه‌گذاری در گاز و انرژی‌های نو

«اکسون موبایل» تخمین می‌زند تا سال ۲۰۳۵ تقاضای گاز طبیعی تقریباً به ۶۰۰ میلیارد مترمکعب برسد و «اداره اطلاعات انرژی آمریکا» (EIA) حتی رقم بالاتر ۷۱۶ میلیارد مترمکعب را

برای تقاضای گاز تا سال ۲۰۴۰ پیش‌بینی می‌کند. پیش‌بینی‌های مربوط به تقاضای آینده گاز طبیعی باتوجه‌به عوامل مختلفی ازجمله: نوآوری فناوری‌ها، مثلاً در فناوری «کاربرد و ذخیره کربن جداسازی‌شده» (CCUS) و اثربخشی قوانین اتحادیه اروپا، مثلاً چگونگی ایفای نقش «طرح تجارت آلاینده‌ها» در اتحادیه اروپا (ETS) مطرح می‌شوند. همچنین تقاضا، تحت تأثیر پیش‌بینی‌های رشد اقتصادی و جهت‌گیری‌های سیاسی درباره نیروی هسته‌ای و محیط‌زیست و تغییرات قیمت کالاها نیز است. در همه موقعیت‌ها، کاهش شدید تولید بومی گاز، به‌معنی افزایش تقاضای واردات گاز طبیعی تا سال ۲۰۵۰ خواهد بود. این افزایش تقاضا به‌دلیل گرما، حمل‌ونقل و تولید نیرو اتفاق می‌افتد. قبل از جنگ اوکراین قریب به ۴۰۰ میلیارد مترمکعب خط لوله در سال، از طریق نقاط ورودی که بیشتر در شمال قرار دارند به اتحادیه اروپا متصل می‌شد. از این رقم، تقریباً ۳۰ درصد گاز از روسیه و از طریق خطوط لوله و تحت تعهدات بلندمدت در موافقت‌نامه‌های بین‌دولتی، تأمین می‌شد. برای تحقق تقاضای روبه‌رشد گاز در اتحادیه اروپا و یافتن گزینه‌هایی برای جایگزینی عرضه‌های روسیه، سه خط لوله دیگر در دهه ۲۰۰۰ شامل: نابوکو از منطقه دریای خزر، سوئ استریم از روسیه به حوزه بالکان و خط لوله فرآدریاتیک از آذربایجان مطرح شدند. فقط پروژه آخر ساخته شده است و خط لوله سوئ استریم با تورک استریم جایگزین شده است که از زیر دریای سیاه، روسیه را با ترکیه مرتبط می‌سازد.

۱۰ اولویت جدید کمیسیون اتحادیه اروپا، همچنان بر راهبرد متنوع‌سازی گاز طبیعی با اجرای «کریدور جنوبی»، توسعه منابع در مدیترانه شرقی و ارتقای سطح گاز طبیعی مایع و دسترسی به ذخیره گاز تمرکز دارد. گذشته از پروژه‌های کشورهای ثالث، پروژه‌های زیرساختی گاز همچنان از سوی اتحادیه اروپا تأمین سرمایه می‌شود که شامل تقویت شبکه انتقال بین لیتوانی و لتونی، بین بلغارستان، رومانی و اتریش، بین فنلاند و استونی، بین لهستان و دانمارک است و ظرفیت‌های جدید و افزایشی واردات گاز طبیعی مایع در لهستان، لیتوانی، کرواسی و اسپانیا را نیز در برمی‌گیرد (Mete, 2020, p. 295).

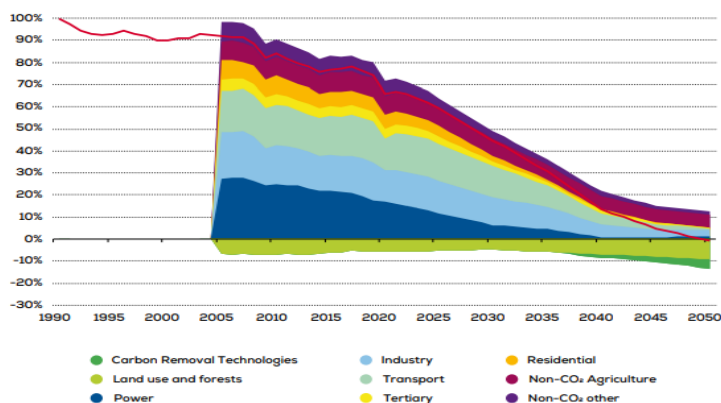
همان‌طور که ذکر شد در پنج تا ۱۰ سال آینده شاهد افزایش مصرف گاز و همین‌طور انرژی تجدیدپذیر خواهیم بود و بیشتر نیروهای تجدیدپذیر جدید (بادی و خورشیدی) و فناوری باتری در مقیاس تجاری به‌کار خواهند رفت. سیاست داخلی انرژی اتحادیه اروپا در نظر دارد کاهش کربن، افزایش بهره‌وری انرژی و افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و توسعه ترمینال‌های اضافی

واردات گاز مایع طبیعی و گاز تجدیدپذیر را مورد توجه قرار دهد. در حال حاضر توربین‌های گاز، بهترین فناوری برای پشتیبانی از استفاده متناوب از انرژی باد و خورشید هستند؛ بنابراین از دیدگاه سران اتحادیه، احتمالاً گاز و انرژی‌های تجدیدپذیر، شرکای آینده برای انتقال به یک اقتصاد کم‌کربن هستند تا قدرت و توسعه اقتصادی را به کشورهای درحال توسعه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بیاورند (Mete, 2020, p. 256). مطابق با اهداف کربن‌زدایی، اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۵۰ در تلاش است تا اقتصاد کربن صفر خالص را ایجاد کند؛ هرچند هنوز همه کشورهای عضو، قرارداد مربوط به آن را امضاء نکرده‌اند و امتناع لهستان، مجارستان و جمهوری چک از تعهد نسبت به بی‌طرفی آب‌وهوایی تا سال ۲۰۵۰ که با طرفداری آلمان از آن‌ها نیز همراه است یکی از موانع تحقق هدف مذکور است. اما نهایتاً کشورهای عضو اتحادیه چاره‌ای جز همراهی با این طرح نخواهند داشت، زیرا تحقق هدف مذکور سکوی پرشی برای تفوق اتحادیه در اقتصاد جهانی به‌شمار خواهد آمد. البته از دیدگاه متخصصان، ایجاد یک سیستم انرژی تماماً برقی در آینده و حالت ایده‌آل کاهش قابل توجه گازهای گلخانه‌ای، از نظر فنی چالش‌برانگیز است و احتمالاً تحقق آن گران تمام می‌شود؛ بنابراین گاز باید در کنار انرژی پاک نقش یک حامل ذخیره فصلی و یک حامل انرژی ارزشمند برای گرما، حمل‌ونقل و صنعت ایفا کند. به‌علاوه دستیابی به این اهداف آب‌وهوایی نیازمند کربن‌زدایی کامل عرضه انرژی در همه بخش‌ها تا سال ۲۰۵۰ است، نه فقط در بخش انرژی که دستیابی به اهداف کربن‌زدایی در آن نسبتاً ساده‌تر است (Wood, 2019, p. 12). از دیدگاه کارشناسان در جهت تسهیل مسیر دستیابی به هدف مذکور راه‌حل‌های متقاطع باید افزایش یابد و بخش‌های مختلف انرژی با یکدیگر جفت شوند تا به این اهداف دست یابند. مطمئناً مشکل امنیت عرضه، محیط‌زیست و امکان پرداخت هزینه‌ها (سه‌گانه مشکلات انرژی) چالش بزرگ سیاست‌گذاران اروپایی است (Mete, 2020, p. 317).

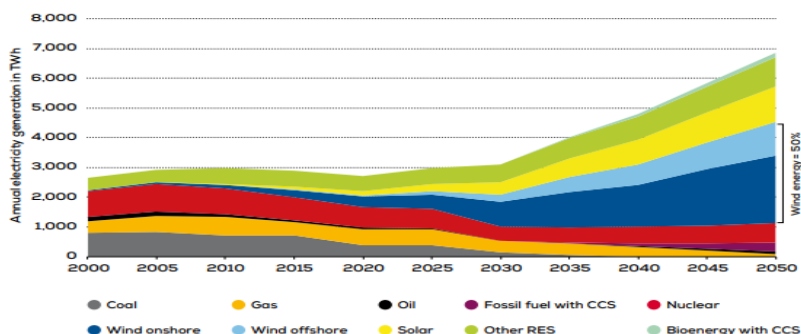
علی‌رغم اهمیت بالای دستیابی به انرژی پاک، سران اتحادیه از این امر آگاهند که در دهه‌های پیش‌رو، گاز همچنان اولویت خود را در حوزه گرمایش و مهم‌ترین صنایع حفظ خواهد کرد. این در حالی است که ذخایر گازی کشورهای عضو اتحادیه کفاف نیاز موجود را نمی‌دهد و با وقوع جنگ اوکراین و تحریم روسیه توسط غرب، اروپا با کمبود انرژی مواجه است. بنابراین در اروپا در حوزه انرژی، دو هدف تبدیل شدن به بزرگ‌ترین قدرت در حوزه انرژی پاک و افزایش تسلط بر منابع گازی به‌طور هم‌زمان دنبال می‌شود. در حوزه انرژی نیز لازم به‌ذکر است که منطقه آسیای

مرکزی و قفقاز جنوبی به عنوان یکی از مهم ترین مناطق گازی جهان، بسیار مورد توجه سران اتحادیه قرار دارد. در نتیجه اتحادیه خود را ملزم ساخته تا ۲۰۵۰ بر بخش بزرگی از منابع گازی کشورهای قفقاز جنوبی، خاورمیانه و... مسلط گردد.

نمودار زیر که توسط مرکز فناوری و نوآوری اتحادیه اروپا منتشر شده است، گویای برنامه اتحادیه برای کاهش گازهای گلخانه‌ای در بخش‌های مختلف است. تحقق کربن‌زدایی کامل تا ۲۰۵۰ نیازمند کاهش ۳/۵ گیگاتن CO<sub>2</sub> است که در هر سال منتشر می‌شود.



نمودار برنامه اتحادیه اروپا برای کربن‌زدایی تا ۲۰۵۰ (WindEroupe, 2021, p. 12)



نمودار کاربرد انواع انرژی توسط اتحادیه در ۲۰۵۰

### افزایش بودجه نظامی و اهمیت قدرت نظامی در کشورهای اروپایی

پس از شکل‌گیری اتحادیه اروپا، کشورهای عضو این اتحادیه به سمت همگرایی گام برداشتند و این باعث شد که به مرور زمان تقویت نیروی نظامی از اولویت‌های آن‌ها خارج شود. اما با شروع

جنگ روسیه علیه اوکراین، بحث‌ها در مورد نیاز به بازنگری ساختار امنیتی اروپا و تصمیم‌گیری مستقل توسط اروپا را احیا کرد. اروپایی‌ها پس از تهاجم روسیه به اوکراین و هراس ناشی از گسترش احتمالی این تهاجم به سمت اروپا به‌ویژه اروپای شرقی، به سرعت تصمیم به افزایش بودجه نظامی و به تبع آن خریدهای تسلیحاتی و تجهیزاتی بیشتر و تقویت یگان‌ها و سامانه‌های دفاعی برای مقابله با تهدیدات احتمالی از سوی روسیه گرفتند (Simón, 2023). بر اثر تحولات اوکراین، اتحادیه اروپا ظرف چند هفته به اندازه ۳۰ سال مسیر همگرایی نظامی را طی کرد. در طول سال ۲۰۲۲ اتحادیه اروپا چندین تدابیر حیاتی برای تقویت خود به‌عنوان یک بازیگر امنیتی اتخاذ کرد که عبارتند از:

اول، قطب‌نمای راهبردی برای امنیت و دفاع را منتشر کرد که شامل ایجاد یک نیروی واکنش سریع ۵۰۰۰ نفری است. در مقدمه سند آمده است:

«بازگشت جنگ به اروپا، با تجاوز غیرقابل توجیه و بی‌دلیل روسیه علیه اوکراین، در کنار تغییرات ژئوپلیتیک عمده، قابلیت ما برای ترویج دیدگاه‌ها و دفاع از منافعمان را به چالش کشیده است. هدف از تدوین قطب‌نمای راهبردی، جهت‌دهی به فعالیت‌های اتحادیه اروپا در حوزه امنیت و دفاع در بازه زمانی ۱۰ سال آینده است» (The Diplomatic Service of the European Union, 2021). این سند در ابتدا محیط امنیتی بین‌المللی را به‌لحاظ راهبردی ارزیابی و تهدیدات عمده را شناسایی می‌کند. سند حول چهار هدف عمده شراکت علیه تهدیدات مشترک، سرمایه‌گذاری روی قابلیت‌ها و فناوری‌های مدرن، اقدام سریع و قاطع در زمان بحران و ایجاد امنیت علیه تهدیدات و حفاظت از شهروندان اتحادیه ابتکاراتی را احصاء می‌کند. برخی از مهم‌ترین ابتکارات مطرحه عبارتند از: ایجاد ظرفیت واکنش سریع اتحادیه اروپا با توان ۵۰۰۰ نفر؛ تمرکز بر توسعه مشترک تجهیزات؛ ترغیب اعضای اتحادیه به سرمایه‌گذاری مشترک در قالب پروژه‌های جمعی؛ ایجاد هاب نوآوری دفاعی در آژانس دفاعی اروپا؛ انجام تمرینات و مانورهای منظم برای تقویت کمک‌های متقابل در مقابله با تجاوزات مسلحانه؛ ارائه نسخه بازنگری‌شده ارزیابی تهدیدات اتحادیه تا پایان سال ۲۰۲۲؛ تدوین راهبرد فضایی جدید اتحادیه؛ تقویت مرکز ماهواره‌ای اتحادیه اروپا برای ارتقای ظرفیت عملیات تجسس اتحادیه و تمرکز بر حوزه‌های راهبردی نظیر آب‌های آزاد، فضای ماورای جو، فضای سایبر و هوا (که در هر مورد اقدامات متعددی نیز تعیین شده است). آنچه این سند را از شمار زیاد اسناد و راهبردهای تدوین‌شده در اتحادیه اروپا متمایز می‌کند، نه در اهداف

ذکرشده در سند، بلکه در نتیجه‌گرا بودن، ملموس بودن و اقدام‌محور بودن آن است (The Diplomatic Service of the European Union).

**دوم**، اتحادیه اروپا اعلامیه مشترک در مورد شکاف‌های سرمایه‌گذاری دفاعی را به تصویب رساند که خواستار افزایش هزینه‌های دفاعی در بودجه کشورها بود. بر این اساس همچنین یک کارگروه ویژه تدارکات مشترک دفاعی، برای حمایت، تسهیل هماهنگی، رفع تضاد و نیازهای کوتاه‌مدت تدارکات مشترک کشورهای عضو ایجاد شد.

**سوم**، اتحادیه اروپا تصمیم گرفت که «شورای مأموریت کمک نظامی اتحادیه اروپا در حمایت از اوکراین» را برای حمایت و آموزش نیروهای مسلح اوکراین راه‌اندازی کند.

در سطح ملی نیز چندین کشور عضو، متعهد به افزایش بودجه دفاعی خود شدند. به‌عنوان مثال کشورهای اروپای شرقی مانند لهستان، رومانی و لتونی بودجه دفاعی خود را سه درصد افزایش دادند. از طرفی دیگر کشورهای بی‌طرف مانند ایرلند نیز اعلام کردند که قصد افزایش بودجه دفاعی خود را دارند. علاوه بر این آلمان برخی از سیاست‌های کلیدی، از جمله عدم انتقال سلاح‌های کشنده به جنگ را لغو کرد (Dutta, 2023).

با توجه به موارد بالا می‌توان به این نتیجه رسید که حتی بعد از پایان جنگ روسیه و اوکراین، اروپا همچنان توجه ویژه‌ای به قدرت نظامی و دفاعی خود خواهد داشت.

### **تقویت و تحکیم جایگاه ناتو در سطح جهانی ضمن تداوم وابستگی اروپا به آمریکا**

با مروری بر بحران اوکراین از سال ۲۰۱۴ و اکنون جنگ اوکراین می‌توان دریافت که کشوری که بیشترین نفع را از این بحران می‌برد، آمریکاست؛ زیرا پیش از این درگیری، از زمان ترامپ، آمریکا و اروپا در حوزه نظامی به مشکل برخورد کرده بودند و تمایل کشورهای اروپایی به حفظ ساختار ناتو برای آن‌ها کاهش یافته بود و حتی به فکر تشکیل ارتش اروپایی جدا از ناتو بودند. از سوی دیگر، آلمان با اتکای به گاز روسیه در حال پیشرفت و فاصله گرفتن بیش‌ازپیش از آمریکا بود. لیکن این جنگ همه چیز را تغییر داد:

- ساختار ناتو که به گفته برخی از کارشناسان احتمال منحل شدنش در آینده وجود داشت، تقویت شده و خواهد شد؛
- فنلاند به ناتو پیوست و کشورهای جدیدی مانند سوئد نیز برای عضویت در آن درخواست داده و خواهند داد؛

- آمریکا تسلیحات روسی را از ساختار کشورهای اروپای شرقی حذف خواهد کرد و قراردادهای تسلیحاتی جدید با آنها منعقد خواهد ساخت؛
- آمریکا، آلمان و بقیه کشورهای اروپایی را از روسیه دور ساخت و از همه مهم‌تر گاز مایع را جایگزین گاز روسیه کرد و نظام جدید انرژی را تبیین کرد؛
- جنگ اوکراین باعث متحدشدن و افزایش همگرایی کشورهای اروپایی شد؛
- فرسایشی کردن جنگ به سود آمریکا خواهد بود؛
- اروپا در حوزه نظامی و امنیتی، وابستگی بیشتری به آمریکا پیدا کرد؛
- تحریم اقتصادی گسترده علیه روسیه تصویب شد؛
- نقش روسیه به مرور در اقتصاد جهانی کاهش پیدا می‌کند؛
- مشغول‌سازی روسیه در اوکراین باعث می‌شود که حوزه مانور آمریکا در حوزه نزدیک روسیه مانند قفقاز و آسیای مرکزی گسترده‌تر شود.

همه موارد فوق یک نتیجه کلی خواهند داشت و آن‌هم تقویت و تحکیم ساختار ناتو با محوریت ایالات متحده آمریکا خواهد بود. به نظر می‌رسد با بحران اوکراین آمریکا توانست بقای ناتو را به‌عنوان یک ساختار لازم برای حفظ امنیت جهانی تضمین کند (Simón, 2023). در واقع آمریکا با نشان دادن روسیه به‌عنوان تهدیدی برای امنیت اروپا توانست جبهه غرب را متحد کند.

### افزایش مناقشه در منطقه بالکان

کشورهای این منطقه به‌دلیل موقعیت راهبردی در قلب اروپا و احاطه شدن توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا، در صورت عضویت در اتحادیه منافع اقتصادی و راهبردی خاصی را برای این سازمان و کشورهای عضو تأمین خواهند کرد. مردم این منطقه و کشورهای عضو اتحادیه اروپا میراث و مسیر مشترکی در تاریخ دارند و آینده خود را بر پایه فرصت‌ها و چالش‌های مشترک بنا کرده‌اند و اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین شریک تجاری این کشورها و منبع اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مقصد اصلی مهاجرت مردم کشورهای مذکور است. به‌علاوه این منطقه کوتاه‌ترین مسیر ترانزیت بین ناحیه جنوب-شرق اتحادیه اروپا (یونان، بلغارستان و رومانی) و کشورهای اروپای مرکزی (مجارستان، کرواسی، اسلوانی و اتریش) است که در طول بحران پناهندگان در ۲۰۱۵-۲۰۱۶ اهمیت ویژه‌ای یافت. به‌علاوه اتحادیه اروپا منافع زیادی در کشورهای حوزه بالکان دارد و به‌همین دلیل از ۲۰۰۳ تاکنون از یکپارچگی آنها حمایت می‌کند.

با این وجود پس از ۱۵ سال، این کشورها به دلیل مسائل حل نشده از دهه ۱۹۹۰، سرعت کند اجرای اصلاحات مورد نیاز مطابق با «معیارهای پذیرش کپنهاگ» و انفجار بحران‌های بدهی مالی و اروپایی، همچنان در فهرست انتظار عضویت در اتحادیه اروپا باقی مانده‌اند. تأخیر در توسعه کشورهای حوزه بالکان، یک خلاء ژئوپلیتیکی ایجاد کرده و نگرانی‌هایی را در سران اتحادیه در رابطه با احتمال بی‌ثباتی در منطقه به وجود آورده است. بازیگران خارجی نظیر روسیه، چین و ترکیه نیز در حال بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در راستای تقویت جایگاه خود در اقتصاد این منطقه هستند و به نوعی در تلاش هستند تا مانع از تسلط کشورهای عضو اتحادیه در اقتصاد این منطقه شوند. به نوعی می‌توان اذعان داشت که بالکان غربی به عنوان یک فرصت نفوذ به اقتصاد اروپا ارزیابی شده است. اکنون به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران اروپایی خطر از دست دادن حوزه بالکان را که به شکل سنتی به اروپا تعلق دارد درک کرده‌اند. به طوری که «ژان کلود یونکر» رئیس کمیسیون اروپا در این باره بیان داشت: «اگر اتحادیه اروپا در ثبات و شکوفایی حوزه بالکان سرمایه‌گذاری کند، در امنیت و آینده اتحادیه اروپا سرمایه‌گذاری کرده است». در نتیجه کمیسیون اروپا در ۲۰۱۸ تحت فشار برگزیت، راهبرد جدیدی برای پذیرش کشورهای حوزه بالکان تا تاریخ ۲۰۲۵ اعلام کرد. لازم به ذکر است که کشورهای حوزه بالکان از نظر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، از هم‌تایان خود در ۱۱ کشور عضو اتحادیه (کشورهای عضو اتحادیه اروپا در شرق اروپا: بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، استونی، مجارستان، لتونی، لیتوانی، لهستان، رومانی، اسلواکی و اسلونی) و دیگر مناطق دارای بازار نوظهور عملکرد موفقیت‌آمیزی نداشته‌اند (Vlachos, 2019, p. 235).

در مجموع، پذیرش کشورهای منطقه در اتحادیه اروپا فرصتی برای احیای اعتماد سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند و هر قدر این منطقه جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری دریافت کند، ظرفیت صادرات و افزایش زنجیره ارزش آن بیشتر می‌شود. سپس همگرایی درآمد سرانه این کشورها با کشورهای عضو اتحادیه اروپا سبب ارتقای جایگاه اقتصادی اتحادیه خواهد شد و فرصت مناسبی برای توسعه سرمایه‌گذاری اقتصادی اتحادیه فراهم خواهد ساخت (Vlachos, 2019). اما با این حال منطقه بالکان یکی از حوزه‌های بحران‌خیز در اروپاست که در صورت تداوم جنگ اوکراین با خطرات جدی مواجه خواهد شد. متخصصان بوسنی معتقدند در صورت سقوط اوکراین، کشور آن‌ها آسیب‌پذیرترین نقطه در بالکان غربی خواهد بود. صربستان به همراه بلاروس



تنها کشورهای اروپایی هستند که تاکنون تحریمی علیه روسیه اعمال نکرده‌اند. صربستان و روسیه منافع حیاتی اقتصادی و سیاسی مشترکی دارند. خط هوایی ایرصربیا از زمان آغاز جنگ اوکراین، پروازهای خود از بلگراد به مسکو را افزایش داده است. روسیه نه تنها با توی خود در مورد به رسمیت شناختن کوزوو از صربستان حمایت دیپلماتیک می‌کند، بلکه یک شریک مهم انرژی برای بلگراد است. زیرا تقریباً ۹۰ درصد از گاز موردنیاز صربستان از طریق روسیه تأمین می‌شود. الکساندر ووچیچ، رئیس‌جمهور صربستان متحد سرسخت پوتین و شی‌جین‌پینگ است و از زمان آغاز جنگ در خط باریکی بین شرق و غرب قدم برداشته است (Hoxhaj, 2022). البته بعید است مسکو بخواهد جبهه جدیدی را در بوسنی یا صربستان باز کند؛ اما تحریک صرب‌های حامی روسیه و یا حمایت از احزاب دوست در صربستان، مونته‌نگرو و مقدونیه شمالی به منظور تشدید تنش‌ها ممکن است. در مجموع همه واکنش‌های کشورهای منطقه بالکان گویای نگرانی سران این کشورها از پیامدهای بحران اوکراین برای کشورهای منطقه بالکان است. زیرا قطعاً در صورت شکست اوکراین سطح آسیب‌پذیری این کشورها در برابر بحران دوچندان خواهد شد.

### قدرت گرفتن کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی جنگ روسیه در اوکراین، ظهور بازیگرانی است که خارج از دوگانگی غرب و روسیه طرفدار درگیری هستند، اما در شکل‌دهی مسیر آن تأثیرگذار هستند. یک گروه از بازیگرانی که خارج از شکاف غرب و روسیه قرار دارند، شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس هستند که شامل عربستان سعودی، امارات عربی متحده، قطر، کویت، بحرین و عمان است. اگرچه آن‌ها با قدرت‌های غربی مانند ایالات متحده، متحد هستند، اما تمایلی به همراهی کامل با اقدامات ضد روسی ندارند. اگرچه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از نظر اندازه و جمعیت بسیار کوچک هستند، اما بر پویایی‌های کلیدی جنگ در اوکراین تأثیر گذاشته‌اند. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس وظایف مهمی را در ارتباط با هردوی این تلاش‌های غربی انجام داده‌اند. از نظر تنوع انرژی، اروپا در ۱۰ ماهه اول سال ۲۰۲۲ نفت بیشتری از عربستان سعودی، امارات عربی متحده و کویت در مقایسه با مدت مشابه سال قبل وارد کرد (در مورد عربستان سعودی و امارات، بیش از مجموع سه سال قبل). جریان گاز طبیعی از خلیج فارس به اروپا نیز افزایش یافته است. قطر دومین تأمین‌کننده بزرگ گاز طبیعی مایع (ال ان جی) اتحادیه اروپا (پس از ایالات متحده) در سال گذشته بود و در سال اول ۱۶ درصد از عرضه LNG خود را

به بلوک اروپایی تحویل داد. شرکت دولتی قطر انرژی در نوامبر ۲۰۲۲ قراردادی ۱۵ ساله با آلمان برای تأمین دو میلیون تن LNG در سال تا سال ۲۰۲۶ امضا کرد که روابط بلندمدت بین بزرگ‌ترین تأمین‌کننده LNG خلیج فارس و بزرگ‌ترین شرکت اروپا را تقویت کرد. با این حال، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به طور کامل در راستای راهبرد انرژی غرب قرار نگرفته‌اند. کشورهای حوزه خلیج فارس از زمان آغاز درگیری‌ها در واقع واردات نفت روسیه را افزایش داده‌اند و از نفت ارزان‌تر روسیه برای مصارف داخلی استفاده می‌کنند و در عین حال صادرات نفت خود را به اروپا افزایش می‌دهند. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس همچنین در برابر بیگانگی مسکو از اوپک پلاس مقاومت کرده‌اند. آن‌ها معمولاً برای هماهنگ کردن کاهش و گسترش عرضه نفت باهم کار می‌کنند. این وضعیت حتی پس از حمله روسیه به اوکراین، مانند تصمیم کشورهای اوپک پلاس در اکتبر ۲۰۲۲ برای کاهش تولید برخلاف میل دولت بایدن، همچنان ادامه دارد. کشورهای حاشیه خلیج فارس از اهمیت روسیه در بازارهای جهانی نفت و از اتحاد در اوپک پلاس حمایت کرده‌اند. علی‌رغم کاهش تولید نفت روسیه به دلیل تحریم‌ها و کاهش عرضه به اروپا، روسیه همچنان دومین تولیدکننده بزرگ نفت در اوپک پلاس است و اعضای این بلوک نیاز به همکاری مسکو برای تثبیت قیمت‌ها در صورت نوسانات قیمت نفت در آینده را محاسبه می‌کنند (Chausovsky, 2023).

### ظهور واگرایی پنهان بین اعضای اتحادیه اروپا

اگرچه همان‌طور که قبل‌تر به آن اشاره شد، اتحادیه اروپا در بسیاری از زمینه‌ها همگرایی نشان داده است، اما واگرایی‌های ظریفی بین کشورهای عضو اتحادیه وجود دارد. این اختلافات تصمیم‌گیری در داخل اتحادیه را مختل نکرده است اما در بلندمدت می‌تواند عواقبی برای اروپا داشته باشد.

درگیری در اوکراین تفاوت اساسی در روابط بین اروپای غربی و شرقی در مورد روسیه و تصورات تهدیدشده از آن‌ها را آشکار کرده است. از زمان شروع جنگ، لهستان، جمهوری چک و کشورهای بالتیک فعال‌ترین کشورهای اتحادیه اروپا در حمایت از اوکراین (به‌عنوان مثال، در کمک نظامی و پذیرش پناهندگان) بوده‌اند. میراث اشغال آن‌ها در زمان شوروی به درک آن‌ها از وضعیت اوکراین و آنچه این کشور در تلاش برای دستیابی است، اطلاع می‌دهد. علاوه بر این، این کشورها از مدت‌ها قبل به اروپای غربی، به‌ویژه فرانسه و آلمان، نسبت به عواقب اتکای بیش‌ازحد به منابع انرژی روسیه و نگرستن به منطقه از دریچه روسیه، هشدار داده بودند. آن‌ها از کشورهای

اروپای غربی که مسیر مماشات تجاری و سیاسی مسکو را در پیش گرفته بودند، انتقاد کرده‌اند. فرانسه و آلمان علی‌رغم حمایت خود از اوکراین، سیگنال‌های متفاوتی را به روسیه ارسال کرده‌اند، که به نظر می‌رسد بین حفظ روابط با مسکو و حفظ وحدت بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا دچار مشکل شده‌اند. این واگرایی‌ها همچنین ناشی از برداشت‌های متفاوت و تهدید به دلیل تجارب مختلف تاریخی و نزدیکی جغرافیایی است. برای اروپای غربی، هرگونه در نظر گرفتن معماری امنیتی، روسیه را به‌نوعی درگیر خواهد کرد؛ درحالی‌که برای اروپای شرقی امنیت به معنای دفاع از خود در برابر مداخله احتمالی روسیه است. برای کشورهای اروپای شرقی، تجربه مربوط آن‌ها از حاکمیت شوروی نحوه نگرش و شکل دادن به واکنش خود را نسبت به درگیری کنونی نشان می‌دهد. این همچنین توضیح می‌دهد که چرا آن‌ها برای نقش بیشتر ناتو و ایالات متحده در درگیری فشار آورده‌اند. هنگامی که درگیری پایان یابد، این اختلافات ایجاد یک سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی قوی را برای اتحادیه اروپا دشوار خواهد کرد. برخلاف آلمان و فرانسه، اروپای شرقی روسیه را برای ثبات اروپا ضروری نمی‌داند، بلکه آن را یک تهدید می‌داند. برای اروپای شرقی، این درگیری در مورد ترسیم مجدد نقشه اروپای پس از جنگ سرد است. این امر چشم‌انداز کوتاه‌مدت و بلندمدت اتحادیه اروپا را نسبت به روسیه پیچیده می‌کند. کشورهای اروپای شرقی سیاست کوتاه‌مدت اتحادیه اروپا در زمینه تحریم و کمک به اوکراین را تقویت کرده‌اند، اما آیا این روند در بلندمدت ادامه خواهد یافت. آینده روابط با روسیه در اروپای پس از جنگ، نوع ساختار امنیتی اروپا و اینکه روسیه در صورت وجود، چه جایگاهی در آن خواهد داشت و میزان باری که هر کشور عضو، می‌تواند برای بازسازی در اوکراین متحمل شود؛ مواردی است که اعضای اتحادیه اروپا باید در مورد آن‌ها به اتفاق نظر برسند (Dutta, 2023).

درباره اعمال تحریم‌ها بر واردات نفت خام از روسیه نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد. کشورهایمانند بلغارستان، مجارستان، جمهوری چک و اسلواکی اعلام کرده‌اند که با توجه به وابستگی آن‌ها، جدول پیشنهادی کمیسیون اروپا برای حذف تدریجی منابع روسیه تا پایان سال ۲۰۲۲ تأثیر منفی بر اقتصاد آن‌ها خواهد داشت. به‌عنوان مثال ویکتور اوبان، نخست‌وزیر مجارستان، گفت این تحریم‌ها «اثر یک بمب هسته‌ای» بر اقتصاد مجارستان خواهد داشت و استدلال کرد که چنین اقداماتی بیش از روسیه به اروپا آسیب می‌زند (Tidey, 2022). با توجه به موضعی که دولت مجارستان اتخاذ کرده است، در بین کشورهای مجارستان، اسلواکی، لهستان و

جمهوری چک، شکاف‌هایی پدید آمده است. برای مثال لهستان و مجارستان که زمانی متحدان نزدیک یکدیگر بودند، اکنون مسیرهای متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. ورشو اکنون یکی از قوی‌ترین متحدان و حامیان کی‌یف است و از اهداف بوداپست برای حفظ روابط خوب با مسکو و مخالفت آن با برخی از تحریم‌های اتحادیه اروپا، انتقاد کرده است (Dutta, 2023).

اگرچه تهاجم روسیه به اوکراین باعث حمایت تمام و کمال کشورهای اتحادیه اروپا از اوکراین شده است؛ اما با بررسی آمار ارسال تسلیحات می‌توان به این نتیجه رسید که تفاوت قابل توجهی بین ادعا و واقعیت وجود دارد. اکثر تسلیحات ارسال‌شده به اوکراین توسط بریتانیا، لهستان و ایالات متحده تأمین شده است. این موارد نشان می‌دهد که برخی از کشورها در تعهدات خود در حمایت تسلیحاتی از اوکراین کوتاهی کرده‌اند. مهم‌ترین کسری در بین تعهدات و تحویل تسلیحات مربوط به کشورهای غربی از جمله آلمان است. در فوریه ۲۰۲۲ اولاف شولز، صدراعظم آلمان، متعهد شد از اوکراین حمایت کند و سیاست عدم ارائه سلاح‌های مرگبار به مناطق جنگی را لغو کند، اما از آن زمان بر سر ارائه تسلیحات سنگین به اوکراین دچار نوسان شده است و در عین حال تأکید کرده است که «آلمان به تنهایی پیش نخواهد رفت» (Reuters, 2023).

### **تشدید بحران هویت و افزایش احتمال قدرت‌گیری احزاب یوروسپتیک**

گسترش تروریسم، افزایش مهاجرت‌ها به اتحادیه و همین‌طور فعالیت‌های احزاب راست افراطی در کنار ظهور بحران کووید ۱۹ و حجم بالای خسارات وارده به اتحادیه اروپا و در نهایت جنگ اوکراین سبب تشدید بحران هویت در اتحادیه اروپا شده است. تشدید بحران هویت، تشدید رقابت سه روایت دموکراسی، اقتدارگرایی و پوپولیسم را به دنبال دارد که هر یک از این سه گفتمان می‌کوشد تا برتری خود را در مقایسه با سایر گفتمان‌ها به اثبات رساند. نکته مهم اینکه تسلط هر یک از دو گفتمان اقتدارگرایی و پوپولیسم و در عین حال، ترویج اندیشه‌های ملی‌گرایانه، کاملاً در تضاد با اصول مبنایی شکل‌دهنده به اتحادیه اروپا است. احزاب و گروه‌های پوپولیستی خود را صدای مردم و اکثریت خاموش می‌دانند و احزاب حاکم را به‌خاطر ورود مهاجران و تبعات نامطلوب آن‌ها متهم می‌سازند و با دفاع از ارزش‌ها و هویت ملی جایگاه قابل توجهی برای خود در بین مردم ایجاد کرده‌اند. به‌طور کلی پیروان این گفتمان‌گرایش ناسیونالیستی دارند و علاقه‌مند به ترویج ارزش‌های مسیحی و اعمال محدودیت در امر مهاجرت هستند. ظهور این احزاب و افزایش بی‌اعتمادی به اتحادیه اروپا مهم‌ترین ثمره پیش‌ران تشدید بحران هویت است که براساس دیدگاه

برخی از خبرگان می‌تواند در دورنمای ۲۰۵۰ برای بقای اتحادیه تهدیدکننده باشد.

طی سال‌های اخیر، بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا شاهد افزایش حمایت از احزاب سیاسی پوپولیست، ملی‌گرا و ضد تشکیل اتحادیه بوده‌اند. این احزاب غالباً «یوروسپتیک» خوانده می‌شوند، زیرا نگرانی‌هایی مبنی بر تسلیم شدن بیش‌ازحد حاکمیت ملی به بروکسل دارند. اگرچه ظهور این پدیده امر جدیدی در اتحادیه اروپا نیست، اما حمایت از چنین احزابی عمدتاً در پاسخ به مشکلات اقتصادی اروپا، اقدامات ریاضتی و بحران منطقه یورو آغاز شد. برای برخی از رأی‌دهندگان، چگونگی کنترل بروکسل در بحران منطقه یورو دغدغه‌های دیرینه در مورد وضعیت دموکراسی در اتحادیه اروپا را مبنی بر اینکه شهروندان عادی در تصمیم‌گیری‌های گرفته‌شده در بروکسل جایگاه چندانی ندارند، تشدید کرد. به‌نظر می‌رسد در دهه آتی نیز افزایش ترس هجوم بخش قابل‌توجهی از مهاجران و پناهندگان در اروپا، باعث افزایش تمایل برای احزاب پوپولیست و یوروسپتیک شود. ترس از جهانی‌شدن و از بین رفتن هویت اروپایی نیز از عوامل رشد حمایت از چنین احزابی است. باید توجه داشت احزاب پوپولیست و یوروسپتیک یکپارچه نیستند. اگر آن‌ها را به‌مثابه یک طیف در نظر بگیریم، اکثر آن‌ها در منتهی‌الیه راست طیف سیاسی قرار می‌گیرند و تعداد کمی از آن‌ها در سمت چپ هستند. درجه بدبینی نیز در بین آن‌ها بسیار متفاوت است و آن‌ها دیدگاه‌های مختلفی درباره آینده اتحادیه اروپا دارند. درحالی‌که برخی طرفدار اصلاحات در اتحادیه اروپا هستند، برخی دیگر خواستار پایان منطقه یورو یا حتی خود اتحادیه اروپا هستند.

اتریش، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایتالیا، هلند، لهستان، اسپانیا و سوئد از جمله کشورهای اتحادیه اروپا هستند که دارای احزاب پوپولیست و حداقل تا حدودی احزاب یوروسپتیک هستند. این احزاب، احزاب طرفدار اروپا را به چالش می‌کشند و رهبران جریان اصلی را تحت فشار قرار می‌دهند تا خواسته‌های احزاب یوروسپتیک را بپذیرند. به‌عنوان مثال تصمیم دولت انگلیس برای برگزاری همه‌پرسی عمومی در ژوئن ۲۰۱۶ در مورد ادامه عضویت در اتحادیه اروپا عمدتاً تحت فشار احزاب تندرو شک‌گرا، چه در داخل و چه در خارج از حزب محافظه‌کار حاکم بود. درعین‌حال، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که اکثر شهروندان اتحادیه اروپا همچنان از اتحادیه اروپا حمایت می‌کنند.

در پی بروز بحران کرونا فرصت خوبی برای این احزاب فراهم شد و احزاب راست افراطی یعنی جبهه ملی فرانسه به رهبری مارین لوپن، حزب آزادی هلند، لگا‌نورد در ایتالیا و حزب

آزادی اتریش، فرصت را برای دستیابی به قدرت حاکم غنیمت شمرده و دائماً در حال نشر اطلاعاتی در رابطه با ناکارآمدی اتحادیه اروپا و احزاب حاکم در دولت‌های عضو اتحادیه هستند. علاوه بر تلاش در راستای تضعیف احزاب حاکم، از آنجایی که این احزاب انگشت اتهام را به سمت جهانی شدن می‌برند و بیگانگان را به عنوان مقصر اصلی انتشار این ویروس سرزنش می‌کنند؛ سخت‌تر کردن کنترل مرزی را در دستور کار قرار داده و از این فرصت برای افزایش خصومت در برابر امر مهاجرت استفاده می‌کنند (Borrell, 2020, p. 12).

### نتیجه‌گیری

در این مقاله با توجه به نظریه وابستگی متقابل و بررسی دیدگاه‌های لیبرالیسم، در چارچوب روش‌شناسی روندپژوهی با استفاده از مرور اسنادی، توفان فکری و برگزاری نشست خبرگان به موضوع روندها و چالش‌های پیش روی اتحادیه اروپا در فضای پس از جنگ اوکراین پرداخته شد. در مجموع بحران اوکراین را می‌توان یک پیشران بسیار مهم و تحول‌ساز تفسیر کرد که قادر است تغییرات مهمی در سیاست‌های آینده اتحادیه اروپا ایجاد کند. بحران اوکراین می‌تواند ابعاد مختلف قدرت اتحادیه اروپا را با چالش مواجه سازد که شامل ابعاد اقتصادی، انرژی، نظامی و سیاسی می‌شود. به عبارتی این بحران، بازی را در سطح جهانی تا مدتی تغییر خواهد داد. همان‌طور که در طی تاریخ شاهد بودیم همواره عبور از یک نظم جهانی به نظم جایگزین با آغاز یک جنگ همراه بوده است. در نتیجه می‌توان جنگ اوکراین را کاتالیزوری تفسیر کرد که نظم نوین و در نتیجه بستر جدیدی را خلق خواهد کرد که اتحادیه اروپا باید در این بستر جدید به ایفای نقش پردازد و روندهای پیش‌رو را به‌درستی مدیریت کند. با توجه به موارد ذکر شده می‌توان به این نتیجه رسید که اگرچه جنگ اوکراین باعث متحد شدن کشورهای غربی به‌ویژه اتحادیه اروپا شده است، اما با گذشت زمان اختلاف‌ها در بین اعضای آن در مورد حمایت از اوکراین و مقابله با روسیه ظهور خواهد کرد، چراکه ممکن است در بین حمایت از اوکراین و تأمین منافع ملی‌شان، تضاد ایجاد شود و کشورهای اروپایی مجبور به انتخاب یکی از آن‌ها شوند. البته این به معنای فروپاشی اتحادیه اروپا نخواهد بود، اما جنگ اوکراین باعث توقف روندی شد که کشورهای اروپایی طی یک دهه گذشته آغاز کرده بودند و قصد داشتند که سیاست مستقل‌تری را از ناتو و ایالات متحده در پیش بگیرند. در واقع تهاجم روسیه به اوکراین باعث شد که روسیه به‌عنوان مهم‌ترین تهدید امنیتی برای اروپا تبدیل شود و آمریکا با استفاده از این فرصت توانست جبهه غرب را علیه روسیه متحد کند.

این مسئله منجر به تشدید وابستگی امنیتی و اقتصادی اروپا به ایالات متحده خواهد شد و اتحادیه اروپا زیر چتر امنیتی آمریکا و ناتو قرار خواهد گرفت. همه این عوامل ذکر شده نشان می‌دهد که احتمالاً استقلال اتحادیه اروپا در مقابل ایالات متحده کاهش پیدا می‌کند و در سیاست‌گذاری‌های امنیتی، اقتصادی و انرژی، به آمریکا وابسته‌تر می‌شود. البته نمی‌توان در مورد وضعیت آینده اروپا به‌طور قطع سخن گفت چراکه سرنوشت اتحادیه بستگی به این دارد که چه قدر در مقابل چالش‌های پیش‌رو موفق خواهد بود و پایان بحران اوکراین چگونه خواهد بود. برخی کارشناسان معتقدند، همان‌طور که در سال گذشته اروپا موفق شد بحران انرژی را در زمستان پشت سر بگذارد و در مقابل روسیه اتحاد مثال‌زدنی را به نمایش گذاشت، پس در آینده نیز با توجه به تنوع دادن به تأمین انرژی موردنیاز خود و تقویت قدرت نظامی و همچنین منزوی کردن روسیه، باعث قدرتمندتر شدن اتحادیه اروپا و پررنگ‌تر شدن نقش آن در عرصه بین‌المللی می‌شود. اما عده‌ای دیگر از کارشناسان معتقدند اگرچه غرب توانست اختلافات را کنار بگذارد و در مقابل روسیه متحد شود، اما در بلندمدت اختلاف‌ها بروز خواهد کرد و اروپا قادر به جایگزین کردن انرژی روسیه نخواهد بود و ادامه این وضع می‌تواند نقش بازیگری اتحادیه اروپا در جهان را کاهش دهد.

### پیشنهادات

- با توجه به این که روسیه از طرف غرب تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار گرفته است، بنابراین فرصتی مناسب برای جمهوری اسلامی ایران است که همکاری‌های خود را با روسیه در حوزه اقتصادی افزایش دهد.
- با توجه به اصل واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، بهتر است که جمهوری اسلامی ایران همچون کشورهای حوزه خلیج فارس و هند، بدون جانب‌داری از هیچ یک از طرفین جنگ و اتخاذ موضع بی‌طرفی، منافع خود را تأمین کند.
- با توجه به تحریم‌های روسیه که بازار جهانی انرژی را تحت تأثیر قرار داده است و نیاز اتحادیه اروپا به گاز، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این فرصت استفاده کند و قدرت چانه‌زنی خود را در برابر غرب افزایش دهد و نقش مؤثرتری در بازار جهانی انرژی داشته باشد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- اخوان کاظمی، بهرام؛ صادقی، سیدشمس‌الدین و نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۷). روندپژوهی فرایند توسعه سیاسی در ایران معاصر. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۵ (۹۵).
- اخوان کاظمی، بهرام و محسنی، سجاد (۱۴۰۱). کلان‌روندهای منطقه غرب آسیا و اثرگذاری آن بر ساختار قدرت منطقه‌ای. فصلنامه آینده‌پژوهی راهبردی، ۱ (۲).
- سلمانی، مسعود و احمدیان، مهدی (۱۴۰۱). روندهای صنعت گردشگری ایران. مدیریت راهبردی و آینده‌پژوهی راهبردی، ۱ (۲).

### ب) منابع انگلیسی

- Borrell, J. (2020). The post-coronavirus world is already here. *Politique étrangère*, (2), 9-23. Brende Borge, (Nov 8, 2019). A new momentum for progress in the Western Balkans. Euractiv.
- Chausovsky, E. (2023), Persian Gulf States May Be the Best Mediators for Peace in Ukraine.
- Dutta, A. (2023). The EU After the Ukraine Crisis: Juxtaposing Issues of Convergence and Divergence, <https://www.orfonline.org/research/the-eu-after-the-ukraine-crisis>.
- Eurobarometer Survey, Parlemeter 2018 Taking Up the Challenge, commissioned for the European Parliament.
- European,(2022). Russia's war on Ukraine: Impact on food security and EU response. [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/ATAG/2022/729367/EPRS\\_ATA\(2022\)729367\\_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/ATAG/2022/729367/EPRS_ATA(2022)729367_EN.pdf)
- European Parliament, Resolution on the State of EU-US Relations, P8\_TA(2018)0342, September 12, 2018, adopted by 490 votes to 148, with 51 abstentions.
- Gillingham, J. (2018). *The EU: an obituary*. Verso Books.
- Hoxhaj, A.(2022). Ukraine war: Serbia is shifting closer to Russia – here's why, <https://theconversation.com/ukraine-war-serbia-is-shifting-closer-to-russia-heres-why-192472>.
- Keohane, R. O. & Martin, L. L. (1995). The promise of institutionalist theory. *International security*, 20(1), 39-51.
- Kupchan, C.(2010). *How Enemies Become Friends: The Sources of Stable Peace*
- Lorenz, A. & Anders, L. H. (2021). *Illiberal trends and anti-EU politics in East Central Europe* (p. 353). Springer Nature.



- Mete(2019),Gökçe Energy Transitions and the Future of Gas in the EU, Subsidise or Decarbonise, palg.
- Milner, H. V. & Moravcsik, A. (Eds.). (2009). Power, interdependence, and nonstate actors in world politics. Princeton University Press.
- Mitrany,D. (1948). The functional approach to world organization. International Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944-), 24(3), 350-363.
- Ministry of theInterior Finnish,(2023).<https://valtioneuvosto.fi/en/-/1410869/an-overview-of-migration-to-the-eu-and-finland-1-2023>.
- Moravcsik, A. (2017). Europe is still a superpower. Foreign Policy, 13.
- OPORA,( 2023),About 20% of Ukrainians Stay Abroad Because of Russia's Full-Scale Invasion,.
- Reuters,(2023), Scholz says Berlin will not go it alone as pressure mounts to supply Kyiv tanks, <https://www.reuters.com/world/europe/scholz-says-berlin-will-not-go-it-alone-pressure-mounts-supply-kyiv-tanks-2023-01-09/>
- Simón, L.(2023). The Ukraine War and the Future of the European Union's Security and Defense Policy, <https://www.csis.org/analysis/ukraine-war-and-future-european-unions-security-and-defense-policy>.
- The Diplomatic Service of the European Union,(2021): [https://www.eeas.europa.eu/eeas/strategic-compass-security-and-defence-1\\_en](https://www.eeas.europa.eu/eeas/strategic-compass-security-and-defence-1_en)
- Tidey, A. (2022), The Hungarian government has launched a so-called "national consultation" on EU sanctions which they describe as "failed" and from "Brussels leaders".
- Wood, G, (2019) Fossil Fuels in a Carbon Constrained World, in Geoffrey Wood and Keith Baker (eds.), The Palgrave Handbook of Managing Fossil Fuels and Energy Transitions.
- Vlachos, V, Bitzenis, A, (2019), European Union Post Crisis Challenges and Prospects for Growth, Palgrave Macmillan. ISBN 978-3-030-18103-1
- Verhofstadt, G. (2017). Europe's Last Chance: Why the European States must form a more perfect union. Hachette UK.

---

## COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

---

